

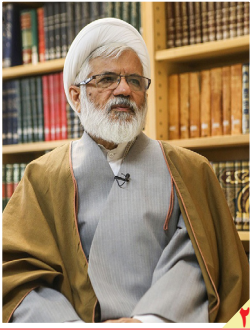


رئیس جمهور در جمع مردم همدان ارایه کرد  
روایت رئیسی از دو گانه مقاومت و تحریم

شنبه ۸ مرداد ۱۴۰۱ - اول محرم ۱۴۴۴ - ۳۰ جولای ۲۰۲۲

# همدانی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



رئیس پیشین سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج کشور تاکید کرد  
شکاف عمیق میان روحانیت و مردم

سال هفتم - شماره ۱۹۸۷ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

## مدیریت پشت سر بحران



مرگ و ناپدید شدن ده‌ها هموطن در سیلاب‌های بی سابقه کشور

### مدیریتی که از بحران جا ماند

انتقاد سراسری از رفتار تبلیغاتی زاکانی در مناطق سیل‌زده تهران

### پوپولیست‌ها در گل می‌مانند

مهرشهری آنلاین

موج جدید کرونا در ایران قدرت گرفت

### ۵۴ مرگ و ۸۰۰۰ ابتلا

طرفین غربی، وجود ضرب‌الاجل در احیای مذاکرات را رد کردند

### امید به نفس‌های آخر بر جام

### پاسخ سازمان برنامه به گزارش گران‌ی صبحانه

### جولان سارقان تاریخ و هنر در سکوت

گزارش همدلی از افزایش نگرانی‌ها درباره عملیاتی شدن طرح صیانت در کشور

### استفاده از اینترنت «مجاز» می‌خواهد؟

از رشد ۷۷۷ درصدی دلار تا سقوط بی‌وقفه بورس در پی تحریم‌ها

### فهرست تأثیر تحریم‌ها بر زندگی ایرانیان

#### یادداشت‌ها

**قالیباف، ربا و جنگ با خدا**  
ابوالفضل جهاندیده  
دانش‌آموخته اقتصاد

**حجاب شرعی یا حجاب قانونی**  
محسن صنیعی  
استاد دانشگاه

**«مونسون» و علل شکل‌گیری سیلاب در ایران**  
حمید بابلی مؤخر  
دانش‌آموخته جغرافیای طبیعی

**کارکردهای کریدور هوایی رشت - آستاراخان**  
صلاح‌الدین هرسنی  
کارشناس مسائل بین‌الملل

**نقش الگوها در فرآیند زندگی**  
توفیق کلی‌زاده  
روانشناس

#### یادداشت

##### کارکردهای کریدور هوایی رشت - آستاراخان

صلاح‌الدین هرسنی - دولت سیزدهم در چارچوب راهبرد اصلی سیاست خارجی خود مبنی بر گسترش سیاست همسایگی و افزایش حجم مبادلات تجاری به‌ویژه با روسیه، نیازمند تکمیل کریدورهای زمینی، ریلی، دریایی و هوایی است. در این ارتباط کاظم جلالی، سفیر کنونی جمهوری اسلامی ایران در روسیه، تکمیل کریدورهای زمینی، ریلی، دریایی و هوایی را از نان شب واجب‌تر دانسته است. به این ترتیب و تحت ضرورت تکمیل کریدورهای ترانزیتی میان روسیه و ایران، ترانزیت در کریدور هوایی رشت - آستاراخان نسبت به کریدورهای ارتباطی ایران و روسیه سرعت و شتاب بیشتری گرفته است. چرا که ترانزیت زمینی به جهت عبور از مسیر آذربایجان و حجم سست‌ترین ترافیک‌های ترانزیتی ممکن است سبب زمین‌گیر شدن وسایل نقلیه و به‌ویژه کامیون‌ها در این مسیر شود. در کریدور دریایی نیز اساساً مبادلات ترانزیتی باید به‌واسطه عبور از رود ولگا صورت بگیرد، اما این رود فاقد لایروبی مناسب برای تردد کشتی‌هاست. ضمن آنکه در حال حاضر کشتی‌ها با نصف ظرفیت از این رودخانه تردد می‌کنند. کریدور ریلی نیز تکمیل نیست و رغم تلاش در جهت راهاندازی آن، روند تکمیلی و نهایی آن به‌کندی پیش می‌رود. حال به توجه به وضعیت نامطمئن و غیرقابل قبول کریدورهای زمینی، دریایی و ریلی، راهاندازی کریدور ترانزیتی هوایی رشت - آستاراخان باید جای کریدورهای ارتباطی دیگر را بگیرد و پاسخگوی مبادلات تجاری ایران و روسیه باشد. در این ارتباط، راهاندازی و برقراری کریدور ترانزیتی هوایی رشت - آستاراخان به دلیل وجود کنسولگری فرانسویون روسیه در استان گیلان و حضور اتاق بازرگانی ایران در آستاراخان روسیه توجیه شده و مأموریت‌های ترانزیتی آن‌هم به شرکت هواپیمایی پارس در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ محول شده است. اما در وقت حاضر و مشخصاً از فرادای سفر پوتین به تهران مبادلات ترانزیتی در این کریدور هوایی کارکردهای دیگری به خود گرفته است و آن‌گونه که گفته شده است استفاده از این کریدور فقط منحصر به هواپیماهای برابری محدود شده، در حالی که در اردیبهشت بر ظرفیت‌های مسافری این کریدور به جهت ظرفیت‌های گردشگری رشت - آستاراخان نیز تأکید شده بود. حال توجه به استفاده انحصاری از این کریدور برای هواپیماهای برابری، پای این پرسشی و گمانه‌بازی می‌شود که در برخورد است و انتظار بر این است که صرف مبادلات تجاری از اسباب و دلالی سرعت و شتاب بابت مبادلات ترانزیتی در کریدور رشت - آستاراخان باشد. اما این سرعت اگر به‌منظور ارسال کمک‌های تسلیحاتی ایران از این کریدور هوایی به روسیه باشد، مسئله برای ما بدون چالش و مخاطره و همچنین بدون هزینه نخواهد بود. با استناد به مجموعه‌ای شواهد و نشانگان پیداست که سرعت در ظرفیت‌های ترانزیتی کریدور هوایی رشت - آستاراخان بیش از همه متأثر از سفر پوتین به تهران و مفاهمت تهران - مسکو از فرادای سفر پوتین به تهران است؛ چراکه به‌رغم ظرفیت‌های گردشگری رشت در شمال ایران به‌عنوان یک قطب گردشگری و همچنین ظرفیت‌های گردشگری آستاراخان، این مناطق مقصد و اولویت اول گردشگران نیستند. مقصد اصلی توریسم روسی بیشتر متوجه کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه است و منطقه شمال ایران به‌ویژه رشت در استان گیلان نه‌تنها متوجه توریسم روسی بلکه بیشتر مورد توجه گردشگران استان‌های مرکزی و جنوبی ایران است. در واقع تأکید بر مبادلات تجاری از کریدور رشت - آستاراخان و همچنین توجیه ضرورت جذب توریسم در شهرهایی چون رشت و آستاراخان، آدرس غلط و اشتباهی است که قرار است مسئله مهم‌تری یعنی ارسال کمک‌های تسلیحاتی ایران از این کریدور هوایی به روسیه، در دل آن گم شود. تحت این شرایط ضرورت ترانزیت و مبادله تجاری با روسیه از این کریدور هوایی رشت - آستاراخان را باید علت بعید مبادلات ترانزیتی در روابط تجاری ایران و روسیه دانست. علت قریب و دلیل اصلی در واقع همان ارسال کمک‌های تسلیحاتی ایران از این کریدور هوایی به روسیه است. چرا که کمک‌های تسلیحاتی غرب به‌ویژه انگلستان و آلمان و آمریکا به اوکراین، سبب تغییر موازنه به زیان روسیه در جنگ اوکراین شده و در واقع اوکراین به باتلاقی برای روسیه تبدیل شده است. در این شرایط چشم امید پوتین به تهران به‌ویژه پهبادهای نسل نهم آن است و اگر روسیه نخواهد مستظرف به کمک و حمایت ایران باشد، بعید است که به‌زودی از این باتلاق بیرون آید. **ادامه در صفحه ۵**

#### یادداشت

##### «مونسون» و علل شکل‌گیری سیلاب در ایران

حمید بابلی مؤخر - در فصل تابستان سامانه پرفشار جنب‌حاره‌ای که به نام سامانه پرفشار آזור شناخته می‌شود و هسته مرکزی آن روی مجمع‌الجزایر آזור در اقیانوس اطلس و در نزدیکی پرتغال قرار دارد روی سرزمین ایران گسترش می‌یابد و در نتیجه مانع از صعود هوای گرم و مرطوب و عدم تشکیل ابر و بارندگی می‌شود و در مجموع منجر به آسمان صاف و آفتابی در تقریباً کل سرزمین ایران می‌شود. این سامانه پرفشار در فصل تابستان با ایجاد هوای صاف و آفتابی و البته ممانعت از صعود هوا موجب افزایش تبخیر و در نتیجه افزایش بخار آب در بخش وسیعی از نیمه جنوبی کشور شده و در نهایت باعث شرحی‌های گاه‌با‌گاه با رطوبت بیش از نوددرصدی می‌شود. باید به این نکته اشاره کرد که رطوبت و صعود دو شرط اصلی برای ایجاد بارش در هر منطقه است که در فصل تابستان با استقرار سامانه پرفشار جنب حاره بر فراز ایران، یکی از عوامل اصلی بارش یعنی عامل صعود حذف می‌شود. بنابراین بر اساس این تحلیل وقوع بارش‌های سنگین در این زمان از سال در ایران برخلاف شرایط عمومی جو حاکم بر این کشور است. اگرچه در سال ۱۳۶۶ توده مونسون بخش وسیعی از ایران را در نوردید و با ترکیب شدن با بادهای غربی برین حاره بارش‌های سنگین و مخرب مرداد ۱۳۶۶ در تهران را به دنبال داشت، اما این بارش‌ها در روزهای اخیر از شدت و قدرت بسیار بیشتری نسبت به درازمدت برخوردار بوده و تلفات جانی و خسارات مالی فراوانی را به دنبال داشت. این اتفاق به‌طور مختصر به سه شکل قابل تفسیر می‌باشد. اول اینکه در گزارشی که در تیرماه ناسا ارائه کرد گرم‌ترین شهر جهان در جنوب ایران و شهر اهواز بوده است. همچنین بر اساس گزارش هواشناسی اخیر استان خراسان جنوبی و بر پایه برداشت‌های دمای سطح زمین که سازمان صنایع‌دستی و گردشگری این استان آن را اعلام کرد، دو یا سه نقطه در شمال دشت لوت دمای ۷۳ درجه را ثبت کرده که به روایتی گرم‌ترین نقطه کره زمین است. نتیجه اینکه در بخش‌های وسیعی از جنوب، جنوب شرق و شرق کشور که در بازه زمان اخیر بارش‌های سنگین در آن به وقوع پیوست به دنبال افزایش بی‌سابقه دمای سطح زمین، سامانه پرفشار جنب‌حاره‌ای ناچاراً از لایه‌ی جو نزدیک به سطح زمین فاصله گرفته و در نتیجه در زیر آن شرایط برای صعود هوای گرم مرطوب فراهم می‌شود و با افزایش صعود، رطوبت موجود در جو متراکم و بارش اتفاق می‌افتد. این در حالی است که هر چه سامانه پرفشار جنب حاره به سطح زمین نزدیک‌تر باشد صعود صورت نمی‌گیرد و در نتیجه رطوبت موجود در جو تنها به شکل شرحی نمود پیدا می‌کند. دلیل دوم اینکه گرمایش شدید سطح زمین در جنوب و جنوب شرق ایران منجر به شکل‌گیری سامانه کم‌فشار سطح زمین شده که این کم‌فشار توده مونسون را که خود در حالت عادی به دلیل سامانه کم‌فشار شکل گرفته روی منطقه گنگ و سند در حال گسترش به سمت منطقه است با قدرت بیشتری میکند و بخش‌های وسیعی از جنوب و جنوب شرق ایران را دربرمی‌گیرد. و سومین دلیل اینکه به دلیل گرمایش شدید در محدوده منطقه حاره‌ای و جنب حاره شاهد افزایش تبخیر فراتر مالی در سطح دریاها و اقیانوس‌های این منطقه یعنی اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس هستیم که این رطوبت در نهایت توسط توده‌های مونسون به داخل خشکی آسیا از جمله ایران کشیده می‌شود و در نهایت منجر به بارش‌های سیل‌آسا در این منطقه می‌گردد. باین حال و با توجه به اینکه تحلیل ارائه‌شده بر اساس یک روش پدیدارشناسانه بیان شد و به عبارتی حکم فرضیه را دارد لازم است با داده‌های جوی مستندسازی و اعتبارسنجی شود. مع‌الوصف باید اشاره کرد که توده‌های موسمی علی‌رغم تمام خسارت‌های جانی و مالی فراوانی که در پی دارد و منجر به داغ‌دالی شدن هم‌وطنان زیادی در مناطق تحت تأثیر شد، اما با توجه به اینکه عمده منطقه تحت پوشش این توده بارشی از جمله محدوده بیابانی، خشک و نیمه کشور است از ارزش بالای برخوردار می‌باشد. نکته اول اینکه گونه‌های جنگلی این مناطق از جمله گونه سودانی (کنار) و گونه تورانی (بلوط) و زیرگونه این دو گونه که به علت خشک‌سالی سال‌های جاری دچار تنش شدید شده بودند با این بارش‌ها یک شوک بازیابی و بازسازی را دریافت می‌کنند. **ادامه در صفحه ۵**

#### یادداشت

##### حجاب شرعی یا حجاب قانونی

محسن صنیعی - این روزها که همچنان بحث طرح حجاب و عفاف مطرح است، صحنه‌های مختلفی از برخورد پلیس امنیت اخلاقی با زنان کم حجاب یا بی‌حجاب منتشر می‌شود که گاه همراه با گرفتن دست یا بدن زن نامحرم و بازداشت همراه است. برخوردهایی که معمولاً با اعتراض مردم در اطراف صحنه مواجه می‌شود. اخیراً نیز پیام‌هایی برای بعضی خودروها ارسال شده که در خودرو شما کشف حجاب صورت گرفته است و خطار به اینکه در صورت تکرار، اقدامات قضایی یا انتظامی صورت خواهد گرفت. این پرسش مطرح است که در زمانه‌ای که کشور با بحران‌های متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، همراه است، چه اصراری به اجرای این طرح است؟ در پاسخ، به وجود قانون حجاب و عفاف استناد می‌شود. با این عملکردها این پرسش مطرح است که الان مجموعه حکومت خود را در حال انجام یک تکلیف دینی می‌داند یا در حال انجام وظیفه قانونی؟ یعنی الان، برای مأمورین گشت ارشاد، عمل برخورد با بی‌حجابی یا کم‌حجابی، یک تکلیف دینی است یا مأموریت شغلی؟ آیا این مأموران، اگر در مأموریت شغلی و در لباس فرم نباشند، باز ارشاد به حجاب و امربه‌معروف و نهی از منکر را وظیفه خود می‌دانند یا این وظیفه فقط در حین انجام مأموریت شغلی، احساس می‌شود؟ به‌علاوه الان مردم اگر باید حجاب را رعایت کنند به خاطر آن است که حجاب یک واجب دینی است یا آن‌که یک تکلیف قانونی است؟ آیا موقعی که خطار به وجود و بابت کم‌حجابی صادر می‌شود، از آن به بعد، دختران و زنان این مملکت، از ترس نیروی انتظامی، حجاب خود را رعایت می‌کنند یا از ترس خدا و عواقب اخروی و به‌عنوان یک تکلیف دینی؟ آیا به‌جز برخوردهای گشت ارشاد یا پلیس امنیت اخلاقی یا پدیده‌های اجتماعی، به‌جز موارد معدود، از طرف مردم عادی به‌عقد امربه‌معروف و نهی از منکر، برخوردی دیده شده است؟ امروز به برکت دوربین و فضای مجازی، اگر برخوردی از طرف مردم عادی بود، حتماً رسانه‌ای می‌شد. موارد بسیار محدود است. حتی بعضی تذکرات شخصی از طرف بعضی زنان محجبه، بیشتر به انجام وظیفه گزارش دهی، مشابَهت دارد. چون این زنان محترم، اشاره می‌کنند که به سپاه اطلاع می‌دهم یا به ۱۱۰ گزارش می‌دهم. آیا اگر اجرای طرح حجاب و عفاف، یک قانون است، بسیاری قوانین معطل شده وجود ندارد که جزو حقوق شهروندی به شمار می‌آیند ولی اصلاً به آنان توجهی نمی‌شود؟ آیا این رفتار، باعث اشاعه دین خواهد شد یا جز نفرت، چیزی دیگر، ایجاد نمی‌شود؟ آیا ما فقط دنبال ساخت ظاهر دینی جامعه بوده‌ایم؟ چرا امربه‌معروف و نهی از منکر را فقط منعطف کرده‌ایم به امر حجاب؟ امربه‌معروف و نهی از منکر، امر همه مردم به همه معروف‌ها و نهی همه مردم از همه منکرات است به‌ویژه کسانی که بیشتر در معرض منکر قرار دارند و آن‌کسانی نیستند جز افرادی که از قدرت بیشتر برخوردار هستند و می‌توانند این قدرت را در خدمت منافع فردی به‌کارگیرند. اگر به دنبال توجیه رطوبت موجود در جو تنها به شکل شرحی نمود پیدا می‌کنند. حساسیت‌های دینی باشند، آیا هیچ موقع از خود پرسیده‌ایم که چرا غالب جامعه‌ای که در اطراف یک زن بی‌حجاب هستند، هیچ‌گونه حساسیتی نشان نمی‌دهند و این حساسیت فقط متمرکز شده است به مأموران گشت ارشاد در حال انجام مأموریت یا کسانی که وظیفه خود را گزارش دهی به دستگاه‌های انتظامی و امنیتی می‌دانند؟ البته این بدان معنا نیست که مردم حساسیت‌های دینی را از دست‌دادند، بلکه برعکس، مردم به این فهم رسیده‌اند که باورهای دینی هر فرد به خود فرد ارتباط دارد و به‌راحتی می‌توان گفت که نگاه بطن جامعه به حجاب، متفاوت از نگاه حکومت به حجاب است. به قول وحید یامین پور، حجاب سنگری است که در صورت فروریزش، همان حلقه سخت وفاداران (حتماً منظور شادک) اولین گروهی هستند که از قطار جمهوری اسلامی پیاده می‌شوند.

#### یادداشت

##### قالیباف، ربا و جنگ با خدا

ابوالفضل جهاندیده - محمداقربالیباف، با تفتاداز، عملکر بانک‌های کشور آنچه را در سیستم بانکی ایران می‌گذرد ریاخواری و جنگ با خدا می‌نامد. به‌غیراز ایشان دیگری نیز در گذشته و حال همین نظر را داشته و هرازگاهی در تریبون‌های رسمی حملات تندی نسبت به آنچه ریاخواری در نظام بانکی ایران می‌نامند، وارد می‌کنند. گذشته از اینکه در خصوص صریح آیات و روایات اسلامی ریاخواری عملی بسیار مذموم و در حکم جنگ با خدا یا زنا با محارم در مسجدالحرام آورده شده، باید از این آقایان پرسید شما که بیش از چهل سال سکان مملکت اسلامی را در اختیار دارید از چه و از کی دارید انتقاد می‌کنید؟ مگر غیراز این است که تمام از کان تصمیم‌گیری را در اختیار دارید پس چرا یکبار برای همیشه تصمیم نمی‌گیرید که ریاخواری را از چهره ایران اسلامی پاک کنید؟ واقعیت این است که ظاهر خود نیک مستحضرند آنچه می‌گویند نه امکان عملی شدن دارد و نه پایه علمی. در این یادداشت فرض را بر عدم اطلاع آقایان گذاشته و نشان خواهیم داد آنچه می‌گویند و یا می‌نمایند نه‌تنها علمی نبوده بلکه اسلامی نیز نیست. آنچه از آیات و روایات فهمیده و استخراج می‌شود در تعریف را گفته‌اند به دست آوردن اضافه بدون فعالیت اقتصادی و عمده دلیل برای حرمت آن نیز اخلاقی در نظر اقتصادی جامعه برشمرده شده است و حال آنکه اساساً فعالیت‌های بانکی امروزه در واقع تسهیل‌کننده فعالیت‌های اقتصادی بوده و تصور جامعه بدون آن غیرممکن است و ناآگاهی آقایان ریشه در نشناختن سه مسئله بسیار مهم و حیاتی است، ۱- ماهیت بانک، ۲- ماهیت پول و ۳- تورم. به جهت روشن شدن ذهن این عزیزان باید عرض شود که بانک در واقع یک بنگاه اقتصادی است که به‌منظور تسهیل در مبادلات تجاری و کسب و کارها تأسیس شده است، کالایی که در این بنگاه خریدوفروش می‌شود از نوع اعتباری است و نه ذاتی است. به‌علاوه ماهیت پول وسیله مبادله در گذشته خود از اجناسی بود که دارای ارزش ذاتی بودند، نظیر طلا همان‌گونه که یک سکه کامل طلا دارای ارزش بود اگر آن را ذوب کرده و به‌گونه‌ای که نوشته‌های حکشده روی آن دیگر وجود نداشته باشد یا اینکه با فیچی آن را به دو نیم تقسیم می‌کردند نیز دارای ارزش بوده و هنوز هم در مبادلات مورد استفاده قرار می‌گرفت اما امروزه وسیله مبادله دیگر آن کالای با ارزش ذاتی نیست بلکه اسکناس و مسکوکاتی بوده که به اعتبار امضا و عدد حکشده روی آن دارای ارزش مبادلاتی است. به‌طوری‌که اگر آن امضا را از روی آن برداشته یا به تعبیر آن دیالوگ معروف سرریال شیهای بره «گوشه نداشته بید» دیگر مقبولیت مبادله ندارد. (شاید این ایراد گرفته شود که اعتبار پول به پشتوانه ذخایر طلای بانک مرکزی است که باید عرض شود؛ امروزه دیگر این‌گونه نیست، (لکن در این یادداشت مجال پرداختن به آن وجود ندارد) و نکته مهم آخری بحث تورم است که در هر دوره (کوتاه‌مدت یا بلندمدت) به سبب وجود تورم از ارزش افتاده است و به دوره کاسته شده و لذا برای جبران ارزش از دست‌رفته در دوره نسبت به دوره قبل باید به میزان تورم به آن افزود. به‌علاوه بانک‌ها برای جبران خدمات ارائه‌شده به مشتریان کارمزد دریافت کرده و استفاده‌کنندگان از تسهیلات بانکی باید بهره یا هزینه استفاده از پول را پرداخت کنند تا چرخ اقتصاد بچرخد و لذا اگر آقایان بزرگوار بزرگوار بهره‌های بالا در بانک‌های ایران هستند باید اول استقلال بانک مرکزی را که وظیفه آن حفظ ارزش پول است به رسمیت شناخته و دوم از دخالت‌های بی‌جا در اقتصاد دست برداشته اجازه بدهند سیستم عرضه و تقاضا اقتصاد را به‌تعداد رسانده، تورم کنترل شده و ایران که به تعبیر ایشان ریاخوارترین کشور دنیاست از شر این پدیده حرام یعنی ربا خلاصی یافته و نرخ و بهره به‌مانند سایر ممالک دنیا شود.